

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Economic

اقتصادی

آنتون نوزلین (Anton Nevzlin)

برگردان: ا. م. شیری

۲۶ جون ۲۰۱۱

[اتحادیه اروپا]

یا

اتحادیه بدهکاران

مجموع بدهی های کشورهای اتحادیه اروپا به حد رکورد ۹/۸ تریلیون یورو رسید. بحران بدهی مختص هر یک از کشورهای اروپایی، به عقیده اقتصاددانان، فقط زنگ خطر پیش از آغاز آن فاجعه مالی است که می تواند اقتصاد اروپا را فلج سازد. اگر مجموع بدهی های اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۷ به رقم ۷/۳ تریلیون یورو، به عبارت دیگر، ۵۹ درصد درآمد ناخالص ملی آن می رسید، در سال ۲۰۱۰، رقم ۹/۸ تریلیون یورو، یعنی ۸۰ درصد درآمد ناخالص ملی را تشکیل می داد. قطع نظر از آن که حجم درآمد ناخالص ملی در این دوره عملاً در همان میزان سابق ماند، اما هزینه های بودجه اتحادیه اروپا ۵ درصد افزایش یافت. این مسأله، در وهله اول، با افزایش تأخیرها در اجرای تعهدات بازپرداخت بدهی ها ارتباط دارد.

سال گذشته، ۲۵ کشور از ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا با کسری بودجه های ملی مواجه بودند. سوراخ کسری بودجه به اندازه ۳۲/۴ درصد درآمد ناخالص ملی، چیزی نمانده بود باعث ورشکستگی ایرلند شود. به برکت تزریق ۸۵ میلیارد یورو از خارج، گریز از فاجعه مالی یا حداقل، به تعویق انداختن آن ممکن گردید. در عین حال، کمک مالی مشابه آن به یونان به میزان ۱۱۰ میلیارد یورو، همانطور که روشن شد، تاثیر چندانی نداشت. علی رغم تعهد حاکمیت یونان بر اجرای سیاست خشن مالی، کسری بودجه سال ۲۰۱۰، ۱۰/۵ درصد از درآمد ناخالص ملی را شامل می شد. در نگاه اول، این میزان در مقایسه با سال ۲۰۰۹، زمانی که کسری بودجه به ۱۵ درصد می رسید، یک دستاورد به حساب می آید و لیکن، افزایش بدهی ها به خاطر بهره بسیار بالای وامها، این کشور را به لبه پرتگاه مالی می کشاند.

وضعیت اسفبار مالی دولت انگلیس که بدهی های دولتی آن در عرض چهار سال تا دو برابر افزایش داشته است، قابل کتمان نیست. این در حالیست که هزینه های دولتی به میزان ۷ درصد افزایش یافته و درآمدهای آن به یک درصد رسیده است. اگر کسری بودجه این کشور در سال ۲۰۰۷، برابر ۲/۷ درصد بود، سال گذشته به ۱۰/۴ درصد از درآمد ناخالص ملی آن رسید. تصویر مشابهی از اسپانیا و فرانسه که بدهی های دولتی آنها در دوره مشابه به میزان ۴۰ و ۳۰ درصد افزایش داشت و کسری بودجه آنها در سال ۲۰۱۰ به ترتیب ۹/۲ و ۷ درصد از درآمد ملی شان را تشکیل می داد، مشاهده می شود.

حتی ترازنامه بودجه دو ساله آلمان که به عنوان نمونه سنتی انضباط مالی شناخته می شود، جهت منفی را نشان می دهد. کسری بودجه کشور ما (روسیه منظور است. م.) در سال گذشته برابر با ۸۱ میلیارد یورو، یا ۳/۳ درصد درآمد ناخالص ملی بود. بالا رفتن بدهی های دولتی که با افزایش ۱۸ درصدی در طول چهار سال، به ۸۳ درصد درآمد ناخالص ملی رسید، موجب وخامت اوضاع گردید. بدهی های دولتی آلمان تا پایان سال ۲۰۱۰، مجموعاً ۲ تریلیون یورو بوده و نشاندهنده بالاترین شاخص بدهی در اتحادیه اروپا می باشد.

استونی و سوئد تنها کشورهای اروپای واحد بودند که بدهی دولتی آنها در سال گذشته افزایش نیافت. استونی از سال ۲۰۰۷ با افزودن ناگهانی درآمدها و کاهش هزینه های دولتی، حتی توانست در متن رکود اقتصادی عمومی، به میزان ۰/۱ درصد از درآمد ناخالص ملی را به عنوان مازاد، در صندوق بودجه ذخیره نماید. این نمودار در سوئد هم یکصدم درصد را نشان می داد. بدین ترتیب، این کشور موفق شد حجم بدهی های دولتی سال ۲۰۱۰ را به میزان ۳ درصد کاهش دهد.

پی نوشت مترجم

اگر بدهی ۱۳/۵ تریلیون دلاری امپریالیسم امریکا را بر مجموع بدهی های ۹/۸ تریلیون یوروی اتحادیه امپریالیستی اروپا علاوه کنیم، منظره جالب توجهی از اوضاع مالی- اقتصادی امپریالیسم جهانی به دست می آید و به درستی نشان می دهد وقتی که دولتهای اتحادیه امپریالیستی اروپا و به ویژه، امپریالیسم امریکا، جنایتکارترین و جعلی ترین کشور تمام تاریخ بشری نمی توانند از زیر بار بحران ساختاری نظام و بدهی های خود کمر راست کنند، طبیعی است با نمایش خصلت و ماهیت فاشیستی نظام سرمایه داری، به ابزار جنگ، به کثیف ترین حربه خود علیه بشریت ستمدیده جهان دست ببرند.

بدون توجه به اوضاع اقتصادی- مالی وخیم کشورهای امپریالیستی و چشم پوشی از علل تداوم موجودیت پیمان تروریستی ناتو و صدها پایگاه نظامی امپریالیسم امریکا به مثابه ابزارهای جنگهای استعماری امپریالیسم علیه کشورهای مختلف جهان، ویران کردن سیستماتیک کشورهای هدف و کشتار مستمر خلقهای آنها به خصوص طی دو دهه اخیر، هر گونه سعی و کوشش برای نجات بشریت جهان از چنگال جنگ و فقر و فلاکت را نمی توان کاری جز خودفروبی و سرگردانی در زیر بمبارانهای «بشردوستانه» و «دمکراسی آور» امپریالیسم به حساب آورد.

۴ سرطان ۱۳۹۰